



تأثیر اثرات آستانه ای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد اقتصادی با تأکید بر درجه باز بودن اقتصادی و حق بیمه تولید پرداختی (مورد مطالعه استانهای کشور)

محمدامین نهال^۱
بیژن باصری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

چکیده

هدف مطالعه حاضر تأثیر اثرات آستانه ای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد اقتصادی با تأکید بر درجه باز بودن اقتصادی و حق بیمه تولید پرداختی (مورد مطالعه استانهای کشور) بر اساس داده‌های سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۷۹ و با به‌کارگیری رویکرد حد آستانه‌ای ملایم پانل استار (PSTR) می‌باشد. نتایج تخمین مدل نشان می‌دهد؛ متغیرهای اعتبارات هزینه‌ای دولت، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نرخ با سودی، جمعیت فعال اقتصادی، جواز تاسیس و پروانه بهره برداری و درجه باز بودن اقتصادی معنی‌دار و رشد تولید در استان‌های ایران را افزایش می‌دهند. افزایش در اعتبارات هزینه‌ای دولت و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، هرچند که در حالت کلی منجر به افزایش تولید در استان‌های ایران می‌شود، ولی این افزایش در اعتبارات با سرعت ملایم به سمت رشد تولید منتقل شده است. با توجه در حال توسعه بودن کشور و نقش کم درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور و استان‌های ایران در سال‌های گذشته و کسب درآمد بیشتر از طریق منابع نفتی، افزایش در اعتبارات کشوری و استانی به دلیل قرار گرفتن در مسیر توسعه یافتگی، بخوبی مدیریت نشده و در عوض سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت در هزینه‌های عمرانی صرف هزینه‌های کوتاه مدت گشته که نتیجه آن چیزی جز عدم کارایی در رشد فعالیت‌های اقتصادی پایین نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تملک دارایی، اعتبارات، رشد تولید، استان‌های ایران، مدل رویکرد آستانه‌ای پانل

طبقه بندی JEL: O23; E43; G21;

^۱ گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammadamin.nahal@iau.ir

^۲ گروه اقتصاد، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). bij.baseri@iauctb.ac.ir



۱- مقدمه

در نظریه‌های جدید رشد درونزا، وضعیت رشد اقتصادی کشورها به تصمیم بهینه مردم و عوامل اقتصادی کشورها بستگی دارد که در آن حداکثر کردن مطلوبیت حاصل از فراغت و درآمد طی زمان، مبنای تصمیم کارگزاران اقتصادی و انتخاب بهینه آنها است. چنین معیارهایی در تصمیم‌گیری برای اثرگذاری بر رشد، به عوامل تشکیل سرمایه انسانی، حداکثر کردن سود بنگاه‌ها، مخارج تحقیق و توسعه، ابداع و نوآوری و گسترش مقیاس بنگاه بستگی دارد. اقتصاددانان معتقد به رشد برونزا، پیشرفت فنی و نرخ رشد نیروی کار و غیره را برونزا در نظر گرفته و اساس رشد را به عوامل برون زای پیشرفت فنی نسبت داده‌اند (سندو و همکاران^۱، ۲۰۲۲). تعدادی از اقتصاددانان رشد درونزا، حضور دولت و عملکرد آثار مخارج دولت بر رشد اقتصادی را آزمون نموده‌اند. آنها با طرح این فرضیه که مخارج عمومی دولت جنبه مولد بودن هزینه‌های جاری که صرف نهاده‌های عمومی تولید می‌شوند و با بهبود روند شرایط موجود و توسعه زیرساخت‌های جامعه، زمینه را برای فعالیت بهتر و موثرتر بنگاه‌های خصوصی فراهم می‌آورند، به تبیین موضوع پرداخته‌اند. مطالعات مختلف در پاسخ به نقش و کارایی مخارج دولت بر رشد اقتصادی و شدت تاثیرگذاری آن در این موضوع کنکاش نموده‌اند (سیاول و همکاران^۲، ۲۰۲۲). بارو^۳ (۱۹۹۱)، کورمندی و مک کوئیر^۴ (۱۹۸۵)، گریر و تولوک^۵ (۱۹۸۷)، لندز^۶ (۱۹۸۳)، برث و بردلی^۷ (۱۹۸۷) و بارو (۱۹۸۹) به بررسی تاثیر مخارج سرمایه‌گذاری دولت بر نرخ رشد اقتصادی کشورها پرداختند. در برخی از این تحقیقات قسمتی از مخارج مصرفی (هزینه‌های صرف شده برای دفاع و تحصیل) نیز به‌عنوان مخارج مولد در سطح کشورها لحاظ شده است. در ایران شریفی و علی‌زاده (۱۳۸۱)، سامتی (۱۳۸۲)، پورمقیم (۱۳۸۳)، تازی و ستاری (۱۳۸۳)، نادران و فولادی (۱۳۸۴)، شفیعی (۱۳۸۵)، گسکری و اقبالی (۱۳۸۶) و عرب‌زاده و چالاک (۱۳۸۹) در بررسی تاثیر مخارج دولت بر رشد اقتصادی و به تفکیک اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای پرداختند. برخی از فعالیت‌های دولت به شکل مستقیم و برخی به شکل غیر مستقیم، فرایند رشد را تحت تاثیر قرار می‌دهند. قوانین و مقررات، توزیع اعتبارات و تخصیص منابع در زمره عواملی هستند که به طور مستقیم این فرایند را تحت تاثیر قرار می‌دهند. وجود آثار خارجی، تامین عدالت اجتماعی و عدالت منطقه‌ای از عوامل غیرمستقیم در این زمینه محسوب می‌شوند. نقش دولت‌ها برای رشد و توسعه اقتصادی در بین مناطق بسیار مهم می‌باشد (احمد و همکاران^۸، ۲۰۲۲). نهادهای سیاسی که منابع قدرت سیاسی و مالی را در بین دولت‌های مرکزی، منطقه‌ای و استانی توزیع می‌کنند، نقش مهمی در ایجاد رشد منطقه‌ای ایفا می‌کنند. میزان دخالت دولت در اقتصاد کشورهای مختلف براساس مبانی نظری آنها می‌باشد. در کشورهای سوسیالیستی میزان دخالت دولت در اقتصاد بسیار گسترده و در کشورهای توسعه‌یافته

¹. Sandow et al

². Muhammad Syawal et al

³. Barrow

⁴. Cormandy and McQuire

⁵. Greer and Tullock

⁶. Lands

⁷. Berth and Bradley

⁸. Ahmad et al

کم می‌باشد. برخلاف نظریات نئوکلاسیک‌ها، تعدادی از محققین نقش دولت‌ها را در ایجاد شرایط رشد بین مناطق موثر می‌دانند. دولت‌ها با اعمال سیاست‌های مختلف و نوع تاثیرگذاری در ایجاد و سیر تکاملی رشد بین مناطق نقش مهمی بازی می‌کنند. بعبارتی توزیع و تخصیص منابع به عنوان یکی از ابزارهای سیاستی دولت‌ها همواره نقش مهمی در دستیابی به رشد اقتصادی ایفا نموده است (اریک^۱، ۲۰۲۰). برای نمونه میچل^۲ (۲۰۰۵) معتقد است هزینه‌های دولت برای تهییج رشد اقتصادی ضروری است. نیوکینزین‌ها معتقدند که افزایش هزینه‌های دولت از طریق ضریب فزاینده نقش اساسی در گسترش تقاضا و رشد اقتصادی دارد. رومر^۳ (۱۹۹۰) و گوش^۴ (۲۰۰۷) تاثیر هزینه‌های دولت را بر رشد اقتصادی چندان معنادار نمی‌دانند. درمیان مجادلات گسترده‌ای که در این خصوص میان اقتصاددانان وجود دارد. پژوهش حاضر با این فرض که در کشورهای در حال توسعه نقش دولت در تامین هزینه‌های عمومی مانند کالاهای عمومی (بهداشت، آموزش، سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌ها و امنیت) موجب افزایش بهره‌وری عوامل تولید، گسترش سرمایه انسانی و تاثیرگذاری بر رشد تولید می‌شود. برنامه‌ریزی منطقه‌ای و توسعه متوازن و برخورداری مناطق از آثار رشد تولید و دستیابی به توسعه پایدار در این عرصه، ضرورت بررسی این موضوع را در سطح استان‌ها لازم کرده است. در ادبیات اقتصادی تئوری‌های تمرکززدایی مالی در جهت افزایش کارایی و بهره‌وری بخش عمومی و گسترش تعادل و توازن منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. با ایجاد نظام درآمد هزینه استانی به همراه تشکیل نهادهای اداری و مالی در استان‌ها طی سال‌های برنامه سوم و چهارم توسعه تلاش‌هایی در جهت گسترش تمرکززدایی مالی در ایران برداشته شد. بر مبنای مجادلات سابقه‌دار در خصوص اثرگذاری هزینه‌های دولت اعم از هزینه‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای، پژوهش حاضر به دنبال بررسی تخصیص اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد اقتصادی در سطح استان‌های کشور می‌باشد. با توجه به مداخله گسترده دولت در اقتصاد در کنار متغیرهای مستقل از انباشت سرمایه‌گذاری صنعتی، اشتغال، سرمایه انسانی، صادرات صنعتی، ارزش افزوده استانی و سطح توسعه مالی (گسترش بانک، بیمه، حجم سپرده‌ها) به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده خواهد شد. این پژوهش در فرایند بررسی مولفه‌های نظری، کاربرد تخصیص اعتبارات بر متغیرهای اساسی اقتصاد در سطح استان‌ها به صورت ویژه‌ای می‌پردازد. نتایج حاصل از تخصیص منابع توسط دولت، ابعاد استانی این موضوع و پیامدهای اقتصادی آن مورد تمرکز و تدقیق قرار می‌گیرد. بر همین اساس در این تحقیق، تاثیرگذاری اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد تولید مورد بررسی واقع می‌شود. همچنین در بخش دوم مطالعه، ادبیات موضوع شامل مبانی نظری همراه با نگاهی به شرایط بومی اقتصاد کشور ارائه شده و مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در این حوزه بررسی می‌شود. در بخش سوم، روش مورد استفاده تشریح و در بخش چهارم یافته‌های تجربی تحقیق تحلیل می‌شود و در بخش پنجم نتایج تحقیق و جمع‌بندی ارائه می‌گردد.

^۱. Erik

^۲. Mitchell

^۳. Romer

^۴. Gosh

مبانی نظری و پیشینه

یکی از اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی از طریق تقسیم مناسب منابع و امکانات عمومی بین استان‌ها است. با این همه اختلاف بین استان‌های برخوردار و غیر برخوردار از مدت‌ها پیش وجود داشته است و همواره مباحثی راجع به آن توسط صاحب‌نظران عنوان شده است. ولی در دهه اخیر بخصوص پس از انقلاب اسلامی علاقه‌مندی گسترده‌ای درباره شناسایی این اختلاف و راه‌حل‌های آن میان‌پر داشتن این اختلاف بوجود آمده است، زیرا تداوم تفاوت‌های عمده اقتصادی بین مناطق برای دوره‌های طولانی اثرات مخربی بر اقتصاد ملی بر جای می‌گذارد (اذنان و همکاران^۱، ۲۰۲۲). شاید بتوان یکی از دلایل اختلاف سطح زندگی مردم در بعضی از استان‌ها نسبت به دیگر استان‌ها را اتخاذ روش‌های نامناسب برنامه‌ریزی و تخصیص نامناسب بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دانست. منظور از بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، اعتباراتی است که در برنامه عمرانی پنج‌ساله به‌صورت کلی و در بودجه عمومی دولت به تفکیک، جهت اجرای طرح‌های عمرانی (اعتبارات عمرانی ثابت) و همچنین توسعه هزینه‌های جاری مربوط به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت (اعتبارات عمرانی غیرثابت) پیش‌بینی می‌شود (بند ۷ ماده یک قانون برنامه‌بودجه کشور) درآمد بودجه جاری را به طور عمده مالیات‌ها و یا سایر درآمدهای مرسوم و مستمر دولت تشکیل می‌دهند، درحالی‌که بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل درآمدهای خاص مانند درآمد نفت و یا وام‌های داخلی و خارجی تامین اعتبار می‌شود. بودجه عمرانی در ایران به (اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای) مرسوم است، یعنی وجوهی که مطابق قانون از محل درآمد نفت به سازمان برنامه تعلق می‌گیرد. در اینجا منظور از این نوع بودجه، کل بودجه مصوب استان که شامل بودجه تملک به علاوه دو درصد نفت و گاز است. یعنی منظور بودجه‌ای استانی مدنظر است و بودجه ملی مدنظر قرار گرفته نمی‌شود. بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آن در چند دهه اخیر در کشورهایی که اصولاً متکی به نظام اقتصاد آزاد هستند، وظایف متعددی را به عهده گرفته است. آنچه می‌تواند هدف‌های نظری کوشش برای عمران مناطق به شمار آید از جهات مختلف چنین می‌تواند باشد (عرب‌زاده و چالاک، ۱۳۸۹).

از نظر اقتصادی: هدف سیاست عمران مناطق ممکن است رفع تبعیض و اختلاف رشد اقتصادی مناطق مختلف و استفاده از کلیه منابع و امکانات منطقه در چارچوب یک برنامه اقتصادی باشد. از نظر سیاسی و اداری: سیاست عمران مناطق ناظر به ایجاد و عدم تمرکز فعالیت‌ها در پایتخت و شهرهای بزرگ است. این سیاست باید حس اعتماد بنفس را در مردم مناطق مختلف ایجاد کند. اهمیت سیاسی عقب‌ماندگی برخی مناطق را نمی‌توان و نباید دست کم گرفت. از نظر جغرافیایی: در هر کشور مناطقی وجود دارد که بالقوه قابلیت رشد و توسعه دارند، اما وجود برخی موانع جغرافیایی، بزرگ یا کوچک مانع پیشرفت آنها شده است.

¹. Aznan et al

۱-۲. نحوه تخصیص بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای

به‌طورکلی با نظری بر نظام برنامه‌ریزی و بودجه در سال‌های گذشته مشاهده می‌شود که درآمدهای دولت اعم از درآمد پایدار مالیاتی و بویژه درآمد ناشی از فروش ثروت زیرزمینی (نفت و گاز) در قالب بودجه جاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای صرف می‌شود. دولت می‌تواند بودجه را در بین استان‌ها به گونه‌ای تخصیص دهد که نابرابری در میان افراد، گروه‌های اجتماعی، اقتصادی کاهش دهد (گسکری و اقبالی، ۱۳۸۶). تقریباً در هر کشوری، بویژه کشورهایی که دولت مرکزی بودجه را بین استان‌ها توزیع می‌کند، موسساتی برای این نحوه تخصیص تعیین شده‌اند، این موسسات در طول سال‌ها نسبتاً پایدار هستند و به همین دلیل مبلغ و سهم استانی برای مدت زیادی از زمان ثابت باقی می‌ماند. در کشورهایی مانند کانادا، آلمان، استرالیا، اسپانیا و اتحادیه اروپا در برخی از موارد، که در قانون اساسی آنها درج شده است، استان‌هایی که فقیر هستند، خدمات عمومی مشابهی مانند استان‌هایی ثروتمند دریافت می‌کنند. این خدمات ممکن است به‌صورت یارانه برای کالاهای عمومی باشد. اینگونه سیاست‌های تخصیصی بودجه برنامه‌ریزی شده هستند، بدان معنی که بر اساس قوانین و فرمول‌های که دولت در اختیار دارد، تخصیص داده می‌شود. در مصرف بودجه دولت دو رویکرد می‌توان اتخاذ کرد: رویکرد اول، رویکرد عمران به‌جای توسعه است که در قالب آن بودجه دولت صرف پروژه‌های عمرانی می‌شود که این پروژه‌ها باعث تولید کالا و خدماتی می‌شوند که درآمد ایجاد می‌کنند و مشخصاً باعث ایجاد سود نمی‌شوند. رویکرد دوم رویکرد توسعه به‌جای عمران است که مطابق آن بودجه دولت بایستی صرف پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی و مشخصاً سودآور و مولد شوند تا از این طریق دائماً بر تولید ملی افزوده شود، درآمد ملی افزایش یابد، اشتغال ایجاد شود و به‌طورکلی توسعه اقتصادی رخ دهد. تخصیص بودجه بین استان‌ها را می‌توان به دو شکل مختلف طبقه‌بندی کرد: جنبه نخست رویکرد تاکتیکی (سیاست محور) و رویکرد دوم در تخصیص بودجه استانی رویکرد برنامه‌ای یا اقتصادی (برنامه محور) است.

۱-۲-۱ رویکرد تاکتیکی (سیاست محور):

بر اساس رویکرد سیاست محور، دولت و سیاست‌گذاران به‌دنبال این هستند که منافع خود را حداکثر سازند. از این نظر مهمترین هدفی که در مورد تخصیص بودجه دنبال می‌شود، حفظ قدرت از طریق انتخاب نوعی از تخصیص است که نهایتاً محبوبیت سیاست‌گذار یا سیاست‌گذاران را حداکثر کرده و امکان اینکه دوباره در انتخابات پیروز شوند را فراهم می‌آورد. به‌عبارت‌دیگر مسئولان و سیاست‌گذاران، تخصیص بودجه در توزیع بودجه بین استان‌ها بر اساس منافع عمل می‌کنند و ملاحظات انتخاباتی و نظام چانه زنی، تأثیری قطعی و نهایی در نحوه تخصیص بودجه بین استان‌ها دارد (اعظم و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

¹. Azam et al

۲-۱- رویکرد برنامه‌ای یا اقتصادی (برنامه محور):

رویکرد دوم در تخصیص بودجه استانی که رویکردی اقتصادی و برنامه محور است. این رویکرد بر این مبنا استوار است که در عین آنکه سیاست‌گذاران ملاحظات انتخاباتی را مدنظر قرار می‌دهند، اما ملاحظات و ضوابط اقتصادی را نیز در نظر می‌گیرند و به‌کارایی و برابری نیز در توزیع بین استانی بودجه، توجه دارند. حتی اگر تاکنون این توجه به متغیرهای اقتصادی وجود نداشته یا کمتر وجود داشته است (احمد و همکاران^۱، ۲۰۲۱). وظیفه پژوهشگر، تاکید بر آن و استخراج مدل بهینه تخصیص بودجه است. در این چارچوب، هدف استخراج قواعد، فرمول‌ها یا اصول هدف عام است که عمل بر اساس صلاحدید دولت را مقید سازد در خصوص رویکرد برنامه‌ای و مفهوم آن نیز مباحثاتی وجود داشته است. به‌طور کلی در رویکرد توزیع برنامه‌ای بودجه بین استان‌ها، دو هدف نیل به ضابطه کارایی، ضابطه برابری و یا ترکیبی از هر دو می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. طبیعی است نحوه ترکیب این دو به ساختار ترجیحات، ویژگی‌های ایدئولوژیک بستگی دارد. مثلاً اگر تعداد نمایندگان مناطق فقیر در مجلس، بیش از سهمیه جمعیتی آن‌ها باشد، به‌طور طبیعی ممکن است ضابطه برابری پشتوانه قوی‌تر و وزن بیشتری یابد (اعظم و همکاران^۲، ۲۰۲۱). به عبارت دیگر ساختار توزیع قدرت بر ساختار توزیع بودجه اثر بگذارد.

۲-۲. بررسی نظریات مختلف اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد بخش تولید

بودجه دولت، از لحاظ حجم و عظمت بزرگترین سند مالی و از لحاظ اهمیت مهمترین عامل مستقل پویا در سطح اقتصادی است، که جهت اداره و پیشرفت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روابط بین‌الملل و در یک کلمه توسعه کشور به کار گرفته می‌شود. این سند از لحاظ مقدار نسبی و حجم ترکیب اقلام درآمدها و هزینه‌ها حائز اهمیت بالایی است. از طریق بودجه کل کشور است که دولت می‌تواند بر سطح متغیرهای کلان اقتصادی تاثیر بگذارد. در ایران که بخش بزرگی از اقتصاد، دولتی است و درآمدهای نفتی دولت منبع تغذیه و رشد بیشتر بخش‌های اقتصاد و جامعه است، نظام بودجه ریزی مانند سیستم شریان‌های بدن، نقش مهمی در انتقال خون حیات بخش درآمدهای نفتی به اجزای مختلف جامعه و اقتصاد بازی می‌کند. بنابراین نظم و انضباط، شفافیت، سلامتی در نظام بودجه ریزی می‌تواند کل نظام سیاسی و اجتماعی را با رشد و پویایی و سرزنده داری مواجه و درهم ریختگی، بی‌قاعدگی و فساد در نظام بودجه ریزی نیز می‌تواند کل نظام سیاسی و اجتماعی یک کشور را با بحران روبرو سازد (احمد و همکاران^۳، ۲۰۲۱). بر طبق ادبیات نظری مطرح شده یکی از راه‌های اثرگذاری دولت بر رشد تولید از طریق بودجه‌های سالانه است. بخش مهمی از وظایف دولت‌ها در نظام‌های مختلف اقتصادی، از کانال بودجه به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. در صورتی که فرایند تهیه و تدوین بودجه، نظام اجرایی و روش نظارت و کنترل بر آن از کارایی لازم برخوردار باشد، امکان اجرای بهتر وظایف محول شده به دولت فراهم می‌گردد. بودجه دولت از مباحث بسیار مهم در اقتصاد است که نقش مهمی در تحقق بخشیدن به هدف‌های جامعه ایفا می‌کند.

¹. Ahmad et al

². Azam et al

³. Ahmad et al

به‌طور کلی نقش بودجه‌ای دولت را می‌توان به ۳ حوزه جمع‌آوری درآمد، انجام هزینه و مدیریت عدم تعادل بودجه تقسیم کرد که هر یک از آنها تاثیر خاص خود را بر رشد تولید می‌گذارند. ارتباط میان مخارج دولت و رشد تولید نیز در نظریه‌های اقتصادی مورد توافق قطعی اقتصاددانان نیست (آیدین و همکاران^۱، ۲۰۱۹). باین حال انتظار می‌رود که دولت با ایجاد زیرساخت‌های لازم و ارائه مطلوب و کارآمد خدمات پایه به رشد تولید کمک نماید. تجربه برخی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نشان می‌دهد که افزایش بیش‌ازحد مخارج دولت در اقتصاد موجب تاثیرگذاری منفی بر رشد تولید خواهد شد. در مورد رابطه مخارج دولت و رشد تولید به‌طور کلی ۳ دیدگاه کلی در نظریه‌های اقتصادی وجود دارد. در تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است؛ رابطه مخارج دولت و رشد تولید می‌تواند مثبت، منفی و خنثی باشد. گروه اول نئوکلاسیک‌ها هستند که رابطه بین مخارج دولت و رشد تولید را منفی می‌دانند و چنین استدلال می‌کنند که افزایش مخارج دولت موجب بروز پدیده ازدحام خارجی می‌شود؛ این پدیده موجب کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد شد و بنابراین رشد تولید را کاهش می‌دهد. گروه دوم که رابطه بین مخارج دولت و رشد تولید را مثبت می‌دانند؛ استدلال می‌کنند که افزایش مخارج دولت باعث به وجود آمدن پدیده اثرات خارجی می‌شود و در نتیجه افزایش رشد تولید را در پی خواهد داشت. گروه سوم با کلاسیک‌های جدید به وجود رابطه خاصی میان مخارج دولت و رشد تولید معتقد نیستند، آنها به دلیل اعتقاد به نظر تعادل بارو-ریکاردو هرگونه تغییر در مخارج دولت را بر رشد تولید بی‌اثر می‌دانند. نظریه بارو-ریکاردو حکایت از عدم تاثیر کسری بودجه دولت بر مصرف دارد، آنها با الهام از نظریه دوره زندگی و در آمد دائمی بیان می‌دارند، از آنجایی که دولت از طریق استقراض از مردم کسری بودجه خود را تامین می‌کند و در آینده برای پرداخت این بدهی از طریق افزایش مالیات آن را تامین خواهد کرد، مصرف تغییری نمی‌کند (سیاول و همکاران^۲، ۲۰۲۲). مرور ادبیات نظری در یک نگاه جامع‌تر نشان می‌دهد که در میان نظریه‌های اقتصادی مختلف هیچ توافق نظری در این زمینه که آیا سیاست کسری بودجه می‌تواند اثری مثبت، منفی و یا خنثی را بر متغیرهای حقیقی چون رشد تولید داشته باشد، چه از جنبه روش شناختی و چه از جنبه نتایج تحقیقاتی، وجود ندارد. در مکتب کلاسیک مالیات یک اهرم مالی خنثی محسوب می‌شود و باید بگونه‌ای وضع شود که انحرافی در تصمیمات اقتصادی افراد و بنگاه‌ها ایجاد نشود (سندو و همکاران^۳، ۲۰۲۲). از دیدگاه آنها رعایت اصل تعادل در بودجه دولتی امری است لازم و افزایش بدهی دولت منجر به تورم و یا ورشکستگی مالی خواهد شد. با توجه به این که مخارج دولتی از کارایی لازم برخوردار نیست و گسترش دامنه دخالت دولت در اقتصاد منجر به تضعیف عملکرد دست نامریی و عدم تعادل در اقتصاد کلان خواهد شد، تعیین ابعاد بودجه دولتی در حداقل خود مناسب خواهد بود. از نظر کینز تمام فعالیت‌های اقتصادی؛ به‌ویژه سطح اشتغال به درآمد بستگی دارد. البته این بستگی به طور دائم و به‌صورت امر لازم و حتمی مصداق ندارد. کینز مسائل را در یک دوره کوتاه‌مدت مورد توجه قرار داده و تجزیه و تحلیل می‌کند. طرفداران نظریه مالیون بر این عقیده‌اند که تقاضای سرمایه‌گذاری به‌صورت برونزا تعیین می‌شود (اریک^۴، ۲۰۲۰).

¹. Aydin et al

². Muhammad Syawal et al

³. Sandow et al

⁴. Erik

در این صورت، با معلوم بودن هر سطح از سرمایه‌گذاری و برقراری یک رابطه پایدار میان درآمد و مخارج مصرفی، تنها این تغییرات در خریدهای دولت و یا نرخ مالیات مشاهده می‌شود که محصول حقیقی را تغییر می‌دهد. بنابراین از دیدگاه طرفداران نظریه مالی با فرض این که تقاضای سرمایه‌گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره حساسیتی ندارد، ارتباط بین سیاست پولی و سایر بخش‌های اقتصاد، ازجمله سطح عمومی قیمت‌ها را قطع کرده است. این مدل افراطی مالی چه‌بسا تنها در شرایط مختلف رکودی مناسب باشد، ولی به نظر نمی‌رسد چنین دیدگاهی خصوصاً با اقتصادی که نزدیکی اشتغال کامل فعالیت می‌کند، مناسب داشته باشد.

۳-۲. پیشینه تحقیق

سندو و همکاران^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی بدهی خارجی و رشد اقتصادی در جنوب صحرای آفریقا (در ۳۱ کشور منتخب): آیا ناهمگونی در کیفیت نهادی تفاوتی ایجاد می‌کند؟ با استفاده از مدل گشتاور سیستمی (GMM) و روش‌های رگرسیون انتقال ملایم پانل استار (PSTR) پرداختند. نتایج بدون تفاوت در کیفیت نهادی نشان می‌دهد که بدهی خارجی تاثیر منفی معناداری بر رشد اقتصادی جنوب صحرای آفریقا دارد. با این حال، زمانی که بدهی خارجی با کیفیت نهادی تعامل داشته باشد، تاثیر بدهی خارجی بر رشد اقتصادی برای کشورهای جنوب صحرای آفریقا با کیفیت نهادی قوی مثبت است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که کشورهای با کیفیت نهادی قوی رشد اقتصادی بالاتری نسبت به کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف تجربه کردند. (PSTR) همچنین شواهد قوی از رابطه غیرخطی بین بدهی خارجی و رشد اقتصادی را نشان داد و ارزش آستانه بدهی را برای کشورهای منتخب جنوب صحرای آفریقا درصد تخمین زد. پیامدهای یافته‌ها از دولت‌ها در جنوب صحرای آفریقا می‌خواهد تا کیفیت مدیریت بخش عمومی را از طریق اصلاحات ساختاری با هدف اصلاح بخش عمومی، اصلاحات مالیاتی و تقویت ظرفیت مدیریت بدهی تقویت کنند تا از اثرات رشد مثبت بدهی خارجی اطمینان حاصل کنند.

سیاول و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی رویکرد آستانه غیرخطی برای اثرات نامتقارن اندازه دولت بر رشد اقتصادی در یک اقتصاد آسیایی در حال ظهور: تجربه کشور مالزی پرداخته شد. با بررسی دقیق‌تر، مشخص شد که یک منحنی U شکل معکوس زمانی وجود دارد که آستانه اندازه درون‌زای دولت توسط تولید ناخالص داخلی عملیاتی/واقعی دولت ارائه شود. با این حال، منحنی U شکل رابطه غیرخطی زمانی وجود دارد که سرمایه‌گذاری دولت/تولید ناخالص داخلی واقعی به‌عنوان متغیر آستانه عمل می‌کند.

احمد و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی؛ آیا کیفیت نهادی و توسعه مالی بر توسعه اقتصادی کشورهای منتخب تاثیر دارد؟ نتایج آنها از رویکردهای همگرایی پانل، ادغام طولانی مدت بین تحولات مالی، کیفیت نهادی و رشد پایدار را نشان می‌دهد. علاوه بر این، این مطالعه از مدل حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) برای بررسی نقش کیفیت نهادی و توسعه مالی در رشد پایدار در طولانی مدت استفاده می‌کند. یافته‌های ما نشان

¹. Sandow et al

². Muhammad Syawal et al

³. Ahmad et al

می‌دهد که کیفیت نهادی و توسعه مالی عوامل محرک در رشد اقتصادی پایدار در طولانی مدت هستند. این مقاله پیامدهای مهم سیاست تقویت رشد پایدار در اقتصاد آسیای جنوبی را نشان می‌دهد.

اریک^۱ (۲۰۲۰) با بررسی اندازه نسبی هزینه‌های دولت نسبت به GNP با استفاده از یک مدل تصحیح خطای دومتغیره و در چارچوب علیت گرنجر و همچنین با اضافه کردن متغیرهای بیکاری و تورم (به طور جداگانه به عنوان متغیرهای توضیحی در مدل برای کشورهای یونان، انگلستان و ایرلند به این نتیجه رسیدند که: الف) هزینه های دولت باعث رشد اقتصادی کوتاه مدت در سه کشور مذکور و رشد درازمدت برای کشورهای ایرلند و انگلستان شده است. ب) افزایش رشد اقتصادی باعث افزایش هزینه‌های نسبی در یونان بوده و هنگامی که تورم را نیز وارد مدل کرده اند باعث رشد هزینه‌های دولت انگلستان گردیده است.

غفاری فرد و دانش (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی (رویکرد داده‌های تابلویی) در دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۸ با استفاده از روش پانل دیتا پرداختند. نتایج مدل نشان می‌دهد که شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب اسلامی اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد به نحوی که با افزایش یک درصد شاخص حکمرانی خوب، رشد اقتصادی به میزان ۰/۰۱ درصد افزایش می‌یابد. با توجه به نقش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رونق اقتصادی کشورها سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی جهت جهش تولید می‌بایست در کنار افزایش مهارت نیروی انسانی و ارتقای اکوسیستم توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور، ارتقای ثبات سیاسی و اقتصادی، افزایش کارایی و اثربخشی دولت‌ها، تثبیت حاکمیت قانون، کنترل فساد و افزایش حق اظهارنظر شهروندان در امور مختلف کشور را در دستور کار خود قرار دهند تا به اهداف و نتایج مطلوب دست یابند.

منتظری شورکچالی و زاهد غروی (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: رهیافت علّیت گرنجر مارکوف سوئیچینگ و داده‌های دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۴۴ پرداختند. یافته‌های این مطالعه، ضمن تایید وجود یک رابطه علی یک طرفه غیرخطی، از اندازه دولت به رشد اقتصادی، نشان می‌دهد که اندازه دولت در قالب یک ساختار دو رژیم (رژیم صفر: سال‌های ۱۳۶۱-۱۳۴۵ و رژیم یک: سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۶۲)، اثر منفی و معنادار بر رشد اقتصادی داشته، اگرچه این اثر منفی در رژیم یک نسبت به رژیم صفر، بزرگتر بوده، و این اثر منفی بزرگتر، می‌تواند ریشه در این واقعیت داشته باشد که سهم مخارج جاری از کل مخارج دولت در سال‌های مربوط به رژیم یک (نسبت به رژیم صفر)، به‌صورت محسوس بزرگتر بوده، و نهایتاً - برخلاف قانون واگنر در این مطالعه، شواهدی دال بر اثرگذاری مثبت و معنادار رشد اقتصادی بر اندازه دولت در اقتصاد ایران مشاهده نشده است.

سید حسین زاده یزدی و همکاران (۱۳۹۹) در طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۵ در مطالعه‌ای به بررسی تحلیل حساسیت و رتبه‌بندی عوامل موثر بر ثبات مالی ایران در چارچوب ساخت شاخص ترکیبی پرداختند. در این مطالعه، ابتدا با استفاده از تجارب جهانی و داده‌های ایرانی، یک شاخص ثبات مالی ترکیبی در چارچوب چهار بعد ایجاد شد.

¹. Erik

"نهادهای سپرده‌پذیر"، "اقتصاد کلان"، "بخش خارجی" و "کیفیت نهادی" برای ایران ساخته شد. پس از ایجاد شاخص ترکیبی، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل حساسیت، موثرترین نماگر بر "نوسانات" و "مقدار متوسط" شاخص ترکیبی ثبات مالی تعیین شد. نتایج نشان داد که از میان ۴۸ نماگر موجود، "نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی"، که یکی از شاخص‌های اصلی "سلامت مالی دولت" در بعد "کیفیت نهادی" است، بیشترین تاثیر منفی را بر "نوسانات" و "مقدار متوسط" شاخص ترکیبی ثبات مالی داشته؛ بنابراین، برای افزایش ثبات مالی در ایران، تمرکز بیشتری باید بر کنترل "نسبت کسری بودجه دولت به تولید ناخالص داخلی" باشد.

ساختار مدل و داده‌ها

در مطالعه حاضر با پیروی از مطالعه سندو و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، سیاول و همکاران^۲ (۲۰۲۲) و اریک^۳ (۲۰۲۰) به بررسی اثرات اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد تولید در استان‌های ایران برای دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۴۰۰ و با بکارگیری رویکرد حد آستانه‌ای ملایم پانل استار (PSTR) در استان‌های کشور شامل؛ مرکزی، گیلان، مازندران، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، فارس، کرمان، خراسان رضوی، اصفهان، سیستان و بلوچستان، کردستان، همدان، لرستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر، زنجان، سمنان، یزد، هرمزگان، تهران، اردبیل، قم، قزوین، گلستان و خراسان جنوبی پرداخته می‌شود. در این مطالعه از مدل خودرگرسیون انتقال ملایم پانل استفاده می‌شود که توسط تراسورتا و اندرسون (۱۹۹۲)^۴ و تراسورتا^۵ (۱۹۹۴) گسترش یافته است. در حقیقت مدل PSTR با استفاده از متغیر انتقال و مقدار پارامتر شیب، ارتباط غیرخطی میان متغیرها را به شیوه‌ای پیوسته مدل‌سازی می‌کند. مدل رگرسیون انتقال ملایم تراسورتا به صورت رگرسیون کلی زیر تصریح می‌شود:

$$y_t = \pi' z_t + \theta' z_t + F(s_t, \gamma, c) + u_t \quad (1)$$

که در آن برداری شامل متغیرهای برون‌زای مدل؛ (π') بردار پارامترهای خطی؛ (θ') بردار پارامترهای غیرخطی مدل؛ u_t جزء باقیمانده است که فرض می‌شود به صورت یکسان و مستقل با میانگین صفر و واریانس ثابت $(u_t \sim iid(0, \sigma^2))$ توزیع شده‌اند. همچنین تابع انتقال $F(s_t, \gamma, c)$ می‌تواند به صورت لجستیک^۶ و یا نمایی^۷ در قالب روابط زیر تصریح شود:

$$F(s_t, \gamma, c) = \left[\frac{1}{1 + \exp(-\gamma(s_t - c))} - \frac{1}{2} \right] \quad (2)$$

^۱. Sandow et al

^۲. Muhammad Syawal et al

^۳. Erik

^۴. Ter'asvirta and Anderson

^۵. Ter'asvirta, T. 1994

^۶. Logistic

^۷. Exponential

$$F(s_t, \gamma, c) = \left[1 - \exp(-\gamma(s_t - c))^2 \right] \quad (3)$$

به‌طوری‌که رابطه (۲) تابع انتقال لجستیک را به نمایش می‌گذارد و رابطه (۳) بیانگر تابع انتقال نمایی می‌باشد. در توابع فوق s_t بیانگر متغیر انتقال است؛ γ پارامتر شیب را نشان می‌دهد؛ c نشان دهنده حد آستانه‌ای یا محل وقوع تغییر رژیم است. در صورتی‌که پارامتر شیب γ بیانگر سرعت انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر است. اگر $c > s_t$ باشد، تابع انتقال برابر یک ($F=1$) می‌شود. از سوی دیگر در صورتی‌که $c < s_t$ مقدار تابع انتقال برابر با صفر ($F=0$) خواهد بود. همچنین در صورتی‌که مقدار پارامتر شیب به سمت صفر میل کند، مدل PSTR تبدیل به یک مدل خطی خواهد شد.

بنابراین، مدل تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

$$GDP_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 GE_{i,t} + \beta_2 GA_{i,t} + \beta_3 EDU_{i,t} + \beta_4 JP_{i,t} + \beta_5 TR_{i,t} + \beta_6 INS_{i,t} + \beta_7 P_{i,t}(\theta_1 GE_{i,t} + \theta_2 GA_{i,t} + \theta_3 EDU_{i,t} + \theta_4 JP_{i,t} + \theta_5 TR_{i,t} + \theta_6 INS_{i,t} + \theta_7 P_{i,t})F(s_{i,t}, \gamma, c) + u_{i,t} \quad (4)$$

$$\{ t = 1, \dots, T \}$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

$$F(\gamma, s_t, c) = (1 + GE\{-\gamma(s_t - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0 \quad (5)$$

$GDP_{i,t}$ = معیار رشد اقتصادی در استان‌های کشور؛ GE : اعتبارات هزینه‌ای دولت، GA : اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، P : جمعیت فعال اقتصادی استان (به عنوان شاخص اشتغال در استان)، EDU : نرخ باسوادی در استان (به عنوان شاخص آموزش در استان)، JP : تعداد جواز تاسیس و پروانه بهره برداری صادر شده برای ایجاد کارگاه‌های صنعتی در استان (به عنوان شاخص توسعه صنعت در استان)، TR : درجه باز بودن اقتصادی استان (نسبت مجموع صادرات و واردات استان به تولید ناخالص داخلی کشور) (به عنوان شاخص درجه باز بودن اقتصادی در استان) و INS : حق بیمه تولید پرداختی در استان (به عنوان شاخص توسعه بازار مالی بیمه در استان) است. همچنین داده‌های مطالعه از پایگاه بانک مرکزی و مرکز آمار ایران استخراج و گردآوری شده است.

نتایج برآورد مدل

۴-۱. آزمون‌های پایایی (ریشه واحد)^۱

در اقتصادسنجی داده‌های پانل، در حالت کلی فرض بر آنست که داده‌های مورد استفاده، استقلال مقطعی دارند. در حالی‌که وابستگی بین مقاطع می‌تواند در اثر عواملی همچون پیامدهای خارجی، ارتباط‌های منطقه‌ای و اقتصادی، وابستگی متقابل اجزای باقیمانده محاسبه نشده و عوامل غیرمعمول مشاهده نشده، در بین مقاطع مختلف وجود داشته باشد (آقایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۹). بنابراین نخستین مرحله در اقتصادسنجی داده‌های پانلی

^۱ Unit root Test

تشخیص استقلال مقطعی داده‌هاست. به این منظور، آزمون‌های متعددی نظیر: آزمون‌های بروش و پاگان (۱۹۸۰) و CD پسران (۲۰۰۴) ارائه شده‌اند که در این مقاله از آزمون CD پسران (۲۰۰۴) استفاده شده است. این آزمون برای داده‌های پانل متوازن و نامتوازن قابل اجرا بوده و در نمونه‌های کوچک دارای خصوصیات مطلوبی است. همچنین، بر خلاف روش بروش و پاگان (۱۹۸۰)، برای ابعاد مقطعی بزرگ و ابعاد زمانی کوچک نیز نتایج قابل اعتمادی ارائه نموده و نسبت به وقوع یک یا چند شکست ساختاری در ضرایب شیب رگرسیون فردی مقاوم است (پسران، ۲۰۰۴). فرضیه‌های صفر و رقیب این آزمون به صورت زیر تعریف می‌شوند:

$$H_0: p_{ij} = E(U_{it}V_{it}) = 0 \text{ for all } i \neq j$$

$$H_0: p_{ij} = E(U_{it}V_{it}) \neq 0 \text{ for all } i \neq j$$

برای پانل‌های متوازن آماره‌ی آزمون CD به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$CD = \sqrt{\frac{2T}{N(N-1)}} \left(\sum_{i=1}^{N-1} \sum_{j=i+1}^N \widehat{p}_{ij} \right) \rightarrow N(0,1)$$

که در آن، $\widehat{p}_{ij}$ ضرایب همبستگی جفت جفت پیرسون از جملات پسماندهای معادله رگرسیونی $y_{it} = \alpha_i + \beta_i x_{it} + u_{it}$ است. هرگاه آماره CD محاسباتی در یک سطح معناداری معین از مقدار بحرانی توزیع نرمال استاندارد بیشتر باشد، در آن صورت فرضیه صفر رد و وابستگی مقطعی نتیجه‌گیری خواهد شد. هرگاه وابستگی مقطعی در داده‌های پانل تأیید شد، استفاده از روش‌های مرسوم ریشه واحد پانلی مانند آزمون‌های لوین و همکاران (۲۰۰۲) (LLC) و ایم و همکاران (۲۰۰۳) (IPS)، احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمون‌های ریشه واحد پانلی متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده که یکی از مشهورترین این آزمون‌ها، آزمون ریشه واحد تعمیم‌یافته مقطعی ایم و همکاران (CIPS) است که توسط پسران (۲۰۰۷) ارائه شده است. پسران جهت فرموله کردن این آزمون با در نظر گرفتن وابستگی بین مقاطع، از رگرسیون دیکی فولر تعمیم‌یافته (ADF) مقطعی که با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی برای i امین مقطع برآورد می‌شود، استفاده کرده است. با توجه به مقادیر بحرانی این آزمون که از توزیع نرمال برخوردار است، به اثبات وابستگی مقطعی در مدل، از آماره CIPS پسران (۲۰۰۷) برای بررسی وجود یا فقدان ریشه واحد استفاده شده است.

با توجه به وجود وابستگی مقطعی در مدل مورد بررسی و همچنین نتایج آزمون ریشه واحد و این که تمام متغیرهای مورد استفاده در این مطالعه هم‌انباشته از مرتبه اول هستند، به بررسی وجود رابطه بلندمدت بین مدل‌های یادشده، با استفاده از آزمون هم‌انباشتگی وسترلوند (۲۰۰۷) پرداخته شده است. نتایج این آزمون در جدول ۴-۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۴-۱: آزمون ریشه واحد برای متغیرها

متغیر	علامت اختصاری	استان‌های کشور				سطح
		آماره CIPS				پایایی
		در سطح		با یک تفاضل		
		C	C+T	C	C+T	
رشد اقتصادی در استان‌های کشور	GDP	-۱/۱۳۶	-۲/۱۹۸	-۲/۹۶۸	-۳/۷۵۹	I(1)
اعتبارات هزینه‌ای دولت	GE	-۱/۲۳۶	-۲/۲۵۸	-۲/۸۶۳	-۳/۸۵۱	I(1)
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت	GA	-۱/۳۶۸	-۲/۱۷۹	-۳/۱۹۸	-۳/۸۶۱	I(1)
نرخ با سواد	EDU	-۱/۳۷۹	-۲/۳۹۷	-۳/۲۳۹	-۳/۵۸۹	I(1)
جمعیت فعال اقتصادی	P	-۱/۲۱۷	-۲/۱۹۷	-۳/۴۸۶	-۳/۹۶۳	I(1)
جواز تاسیس و پروانه بهره برداری	JP	-۱/۳۶۹	-۲/۲۶۷	-۳/۹۸۷	-۳/۹۸۶	I(1)
حق بیمه تولید	INS	-۱/۱۹۷	-۲/۳۱۹	-۳/۹۶۳	-۳/۹۸۶	I(1)
درجه باز بودن اقتصادی	TR	-۱/۲۴۹	-۲/۴۲۹	-۲/۹۷۴	-۳/۹۸۷	I(1)
مقادیر بحرانی آزمون ریشه واحد پسران (۲۰۰۷) در سطوح اطمینان مختلف						
حالت		۱٪	۵٪	۱۰٪		
C		-۲/۶۰	-۲/۳۴	-۲/۲۱		
C+T		-۳/۱۵	-۲/۸۸	-۲/۷۴		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۲. آزمون‌های هم‌انباشتگی پانل^۱

در این مطالعه از آزمون هم‌انباشتگی پانلی وسترلوند (۲۰۰۷) برای بررسی وجود یا عدم وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها استفاده می‌کنیم. نتایج در جدول ۴-۲ ارائه گردیده است. نتایج این آزمون در جدول ۴-۲ ارائه شده است. با توجه به نتایج این جدول (مقدار آماره و سطح احتمال محاسبه شده) می‌توان گفت که فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل، بر اساس دو آماره میانگین گروه G_t و G_α و دو آماره پانل P_t و P_α در سطح ۱ درصد رد می‌شود. ستون چهارم جدول ۴-۲ مقادیر احتمال قوی آزمون وسترلاند (۲۰۰۷) را که به‌وسیله روش بوت‌استرپ برای حذف اثر وابستگی مقطعی بین متغیرها به‌دست آمده است، را نشان می‌دهد. بر اساس این مقادیر نیز فرضیه صفر مبنی بر عدم هم‌انباشتگی بین متغیرهای مدل، بر اساس دو آماره میانگین گروه G_t و G_α و دو آماره پانل P_t و P_α در مدل رد می‌شود. بنابراین بر اساس آزمون هم‌انباشتگی وسترلوند (۲۰۰۷) وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای مدل را می‌توان پذیرفت.

^۱. Cointegration Test

جدول ۴-۲: نتایج آزمون هم‌انباشتگی پانلی وسترلوند (۲۰۰۷)

آماره آزمون	استان های کشور		
	آزمون وسترلوند (۲۰۰۷)		
	سطح احتمال قوی	سطح احتمال	آماره محاسبه شده
G_t	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۵/۹۸۶
G_u	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	-۱۳/۶۳۹
P_t	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲۷/۲۶۴
P_u	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-۲۸/۳۸۷

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۳-۴. آزمون خطی بودن، انتخاب متغیر انتقال و نوع مدل:

بعد از بررسی پایایی متغیرها، برای تخمین مدل رگرسیون انتقال ملایم، ابتدا فرضیه صفر خطی بودن در مقابل فرضیه وجود الگوی (PSTR) آزمون می‌شود. براساس نتایج جدول (۳)، تمامی آماره‌های ضریب لاگرانژ والد، فیشر و نسبت درست‌نمایی برای یک و دو حد آستانه‌ای نشان می‌دهد که رابطه غیرخطی بین متغیرهای مطالعه، از یک مدل غیرخطی تبعیت می‌نماید.

جدول (۳-۴) نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل PSTR

فرض صفر	آماره F	سطح معنی‌داری
$b_1=b_2=b_3=b_4=0$	۴/۹۸۶	۰.۰۰
$b_1=b_2=b_3=0$	۳/۸۶۵	۰.۰۰
$b_1=b_2=0$	۲/۷۹۶	۰.۰۵
$b_1=0$	۲/۶۹۸	۰.۰۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

به‌منظور انتخاب متغیر انتقال، تمامی متغیرهای موجود در مدل مورد آزمون قرار داده می‌شوند. از میان متغیرهای آزمون شده، هر متغیری که با احتمال بیشتری فرضیه صفر خطی بودن را رد کند به‌عنوان متغیر انتقال انتخاب خواهد شد. مطابق نتایج جدول (۴)، متغیر انتقال در مدل برآورد شده، اعتبارات هزینه‌ای دولت بوده و فرضیه صفر مبنی بر خطی بودن مدل رد شده و مدل (PSTR) مرتبه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۴-۴): انتخاب متغیر انتقال و نوع مدل

گروه	مدل پیشنهادی	آماره ۲F	آماره ۳F	آماره ۴F	آماره F	متغیر
استان های کشور	PSTR	۰.۷۹۸	۰.۸۹۶	۰.۷۹۶	۰.۷۴۱	GE (t)

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۴. نتایج برآورد مدل

در مرحله بعدی با استفاده از یک مدل LPSTR^۱ ابتدا مقادیر اولیه برای مقدار پارامتر شیب (۷) و مقدار آستانه‌ای متغیر انتقال (C) انتخاب و سپس با بهره‌گیری از این مقادیر اولیه و با استفاده از الگوریتم نیوتن رافسون (Newton-Rafson) پارامترهای مدل به روش حداکثر سازی راست نمایی (Maximum Likelihood) برآورد گردید که نتایج در جدول (۵) گزارش شده است. نتایج برآورد قسمت خطی مدل (رژیم اول) نشان می‌دهد که متغیرهای اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نرخ با سواد، جمعیت فعال اقتصادی و درجه باز بودن تجاری در سطح اطمینان ۹۰٪ معنی‌دار و منجر به افزایش رشد تولید در استان‌های ایران می‌شوند. نتایج برآورد قسمت غیرخطی مدل (رژیم دوم) نشان می‌دهد متغیرهای اعتبارات هزینه‌ای دولت، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نرخ با سواد، جمعیت فعال اقتصادی، جواز تاسیس و پروانه بهره برداری و درجه باز بودن اقتصادی در سطح اطمینان ۹۰٪ معنی‌دار و رشد تولید در استان‌های ایران را افزایش می‌دهند. بطوریکه به ازای یک واحد افزایش در اعتبارات هزینه‌ای دولت، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نرخ با سواد، جمعیت فعال اقتصادی، جواز تاسیس و پروانه بهره برداری و درجه باز بودن اقتصادی، رشد تولید به ترتیب، ۰/۰۵، ۰/۱۷، ۰/۰۷، ۰/۰۵، ۰/۰۳ و ۰/۰۴ واحد افزایش می‌یابد. چگونگی رشد تولید در جامعه، تحت تأثیر زیر ساخت‌های فرهنگی، اجتماعی، بانکی و متغیرهای بنیادی سیاسی و اقتصادی قرار می‌گیرد که خود برای تغییر، نیاز به زمان دارند و در بیشتر موارد دارای آثار بلند مدت بوده و در نتیجه در کوتاه مدت نمی‌توانند رشد تولید در جامعه را تغییر دهند. عبارتی نتایج تمام عوامل تأثیرگذار بر روی رشد تولید در مطالعه حاضر اقتصادی نیستند. لیکن عوامل اقتصادی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند، همگی دارای علامت مورد انتظار نظری و قابل پیش‌بینی بر روی رشد تولید می‌باشند. لیکن، ضریب کوچک این متغیرها، بیانگر تأثیر جزئی آنها بر روی رشد تولید در استان‌های کشور است. طبق مباحث تئوریک، افزایش هزینه‌های جاری و عمرانی باید به افزایش در تولید ملی منجر شود و براساس عقیده اقتصاددانان مکتب کینزی تنظیم سیاست‌های مالیاتی و هزینه‌ای باید موجب رونق اقتصادی شود، در حالی که در مکتب کلاسیک مالیات یک اهرم مالی خنثی می‌باشد، یا چنانچه کسری بودجه دولت به دلیل افزایش هزینه‌های جاری (مخارج مصرفی) باشد، با توجه به اینکه این نوع هزینه‌ها تنها باعث افزایش تقاضای کل می‌شود، ممکن است ایجاد تورم کند، اما اگر کسری بودجه دولت به دلیل اجرای یک سیاست مالی فعال به منظور رهایی اقتصاد از رکود باشد، دولت با افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود و ایجاد کسری در بودجه به یک سیاست مالی انبساطی اقدام می‌کند و آثار اقتصادی آن در بلند مدت هدایت اقتصاد به سمت تولید خواهد بود. با در نظر گرفتن تمامی شرایط، برای استان‌های کشور می‌توان بحث کرد که افزایش در اعتبارات هزینه‌ای دولت و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، هرچند که در حالت کلی منجر به افزایش رشد تولید می‌شود، ولی این افزایش در اعتبارات هزینه‌ای دولت و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با سرعت ملایم به سمت افزایش تولید منتقل شده است. با توجه در حال توسعه بودن کشور و نقش کم درآمدهای مالیاتی در بودجه کشور ایران و کسب درآمد بیشتر از طریق منابع نفتی، افزایش در اعتبارات هزینه‌ای دولت و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای کشور به دلیل قرار گرفتن در مسیر توسعه یافتگی، بخوبی مدیریت نشده و در عوض سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت در

هزینه‌های عمرانی صرف هزینه‌های کوتاه مدت گشته که نتیجه آن چیزی جز عدم قطعیت و عدم کارایی در رشد فعالیت‌های اقتصادی پایین می‌باشد. از طرفی بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقتصادهای بازار آزاد دو برابر بیشتر از اقتصاد بسته رشد کرده‌اند. ولی در دیدگاه بدبینانه و از نظر منتقدین، جهانی شدن عبارت از فرآیندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان‌هاست. این نابرابری و عدم توازن به قطب‌بندی استان‌های ثروتمند و استان‌های فقیر از یک طرف و گروه‌های ثروتمند و فقیر در داخل جوامع که هرچه بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند، منجر می‌گردد. برای مثال، در مورد طبقه اجتماعی، عده‌ای^۱ ادعا کرده‌اند که جهانی شدن (درجه باز بودن اقتصادی) موجب افزایش امتیازات طبقه ممتاز شده است. فاصله درآمدها تقریباً در همه استان‌ها بیشتر شده است، زیرا محافل ثروتمند بخش عمده منافع ناشی از جهانی شدن را به خود اختصاص می‌دهند. این اتفاق در استان‌های شمال هم روی داده است، ولی استان‌های جنوب طی دوره تسریع جهانی شدن شاهد بیشترین نابرابری‌های درآمد بوده‌اند. در این استان‌ها قشر محدودی در اثر پیوندهای جدید با سرمایه‌داری جهانی به منافع مادی چشمگیری دست یافته‌اند، در حالی که استاندارد زندگی اکثر مردم افت کرده است به این ترتیب، روندهای جهانی شدن، قطب بندی شدن، تمرکز ثروت و حاشیه‌ای شدن به واسطه فرایندهای مشابهی به یکدیگر مرتبط می‌گردند در این فرایند، منابع سرمایه‌گذاری، رشد و تکنولوژی مدرن در معدودی از استان‌های صنعتی متمرکز هستند. بسیاری از استان‌های مرکزی فاقد مرز مشترک از این فرایند محروم مانده و یا به صورت فرعی و حاشیه‌ای در آن شرکت می‌کنند که اغلب در تضاد با منافع آن‌ها می‌باشد.

جدول (۵-۴). برآورد الگو به‌وسیله مدل LPSTR

برآورد قسمت خطی مدل					
متغیر	ضریب	انحراف معیار	t آماره	احتمال	
عرض از مبدأ	0.104417	0.036042	2.897111	0.0039	CONSTANT
اعتبارات هزینه‌ای دولت	0.008782	0.014798	0.593467	0.5531	GE
اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت	0.047530	0.024254	1.959712	0.0506	GA
نرخ با سواد	0.029347	0.011393	2.575952	0.0103	EDU
جمعیت فعال اقتصادی	0.027657	0.011872	2.329532	0.0203	P
جواز تاسیس و پروانه بهره برداری	0.058954	0.037110	1.588650	0.1128	JP
حق بیمه تولید	0.008408	0.021034	0.399734	0.6895	INS
درجه باز بودن اقتصادی	0.028468	0.012347	2.305676	0.0216	TR
برآورد قسمت غیرخطی مدل					
عرض از مبدأ	0.281201	0.070790	3.972331	0.0001	CONSTANT
اعتبارات هزینه‌ای دولت	0.051506	0.021161	2.434035	0.0153	GE

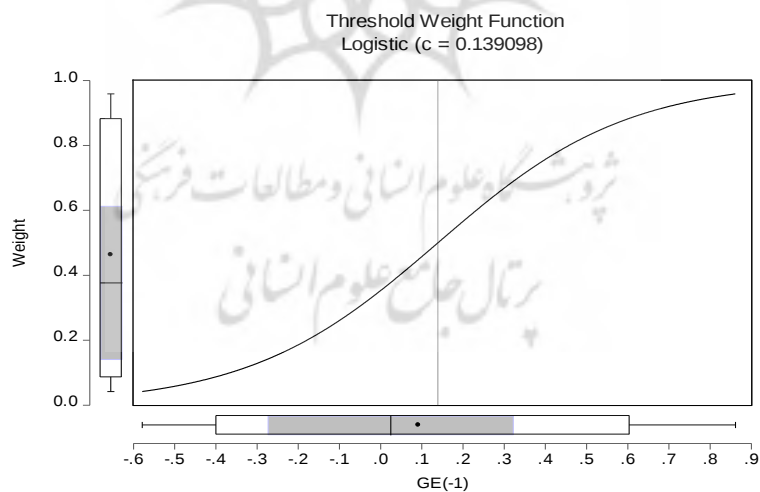
۱ شولت، ۱۳۸۲: ۲۹۷

۰.۰۰۰۰	۲۴.۱۶۲۶۹	۰.۰۰۷۱۷۹	۰.۱۷۳۴۶۴	GA	اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت
۰.۰۰۱۰	۳.۳۱۸۵۳۳	۰.۰۲۱۳۵۹	۰.۰۷۰۸۸۱	EDU	نرخ با سواد
۰.۰۱۷۱	۲.۳۹۳۰۰۰	۰.۰۲۱۵۲۴	۰.۰۵۱۵۰۶	P	جمعیت فعال اقتصادی
۰.۰۱۷۳	۲.۳۸۷۴۲۴	۰.۰۱۲۷۵۳	۰.۰۳۰۴۴۷	JP	جواز تاسیس و پروانه بهره برداری
۰.۱۱۸۷	۱.۵۶۲۷۸۷	۰.۰۱۴۶۰۵	۰.۰۲۲۸۲۵	INS	حق بیمه تولید
۰.۰۶۷۰	۱.۸۳۵۷۸۳	۰.۰۲۵۸۹۱	۰.۰۴۷۵۳۰	TR	درجه باز بودن اقتصادی
۰.۰۰۰۰	۹.۲۲۳۳۹۳	۰.۰۱۵۰۸۱	۰.۱۳۹۰۹۸	(C) حد آستانه‌ای	
۰.۰۰۰۲	۳.۷۱۴۴۲۱	۰.۱۵۰۱۲۰	۰.۵۵۷۶۰۷	(۷) پارامتر شیب	

ضریب تعدیل شده $(R^2) = ۰.۸۱$

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

در تخمین فوق متغیر انتقال اعتبارات هزینه‌ای دولت می‌باشد که مقدار حد آستانه برآورد شده برای این متغیر برابر با ۰/۱۳ بوده است. بر اساس فاصله اعتبارات هزینه‌ای دولت از این مقدار آستانه الگو از دو رژیم مختلف تبعیت می‌نماید. با مقایسه ضرایب الگو در دو رژیم مختلف ملاحظه می‌گردد که با عبور اعتبارات هزینه‌ای دولت از حد آستانه (۰/۱۳) واکنش مسئولین به تغییرات این متغیر به شدت افزایش یافته، بدین ترتیب که هر چه رشد اعتبارات هزینه‌ای دولت بیشتر شده است، سیاست‌گذاران و مسئولان تلاش نموده‌اند که با عکس‌العمل بیشتر، رشد تولید را افزایش دهند.



نمودار ۱. ارتباط بین تابع انتقال و متغیر انتقال انحراف اعتبارات هزینه‌ای دولت از مسیر بلندمدت

۴-۵. آزمون‌های تشخیصی

۴-۵-۱ آزمون ناهمسانی واریانس

یکی دیگر از فروض استاندارد کلاسیک فرض واریانس همسانی می‌باشد، بدین ترتیب که در صورتی که جمله خطا فاقد واریانس ثابت باشد، گفته می‌شود ناهمسانی واریانس وجود دارد. در مطالعه حاضر از آزمون بروش-پاگان-گادفری استفاده می‌شود.

جدول (۴-۶) نتایج آزمون ناهمسانی واریانس،

آماره F	Prob	بروش-پاگان-گادفری
۱.۴۸۹	۰.۲۹۶۳	۱.۳۶۹۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌گردد، نتایج آزمون حکایت از عدم وجود ناهمسانی واریانس دارند.

۴-۵-۲ آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم

از دیگر سنجه‌های مناسب برای ارزیابی کیفیت مدل تخمین زده شده، بررسی تغییرات ضرایب بین دو رژیم است. در صورتی که مدل برآورد شده تخمین مناسبی باشد، انتظار می‌رود ضرایب با تغییر رژیم ثابت و بدون تغییر باقی بمانند.

جدول (۴-۷) نتایج آزمون ثابت پارامتر انتقال هموار

فرض صفر	آماره F	Prob
$b_1=b_2=b_3=b_4=0$	۰.۳۶۹۸	۰.۸۹۶۵
$b_1=b_2=b_3=0$	۰.۳۸۹۶	۰.۸۷۴۵
$b_1=b_2=0$	۰.۳۹۸۷	۰.۸۵۶۳
$b_1=0$	۰.۴۱۲۳	۰.۸۱۲۳

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همان‌طور که در جدول نیز مشهود است، آزمون ثابت ماندن ضرایب بین دو رژیم نشان می‌دهد ضرایب در اثر تغییر رژیم تغییر نمی‌کنند و سطح معنی داری بالای ده درصد می‌باشد که نشان از تأیید فرضیه صفر ثابت پارامتر انتقال هموار است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله به‌منظور بررسی اثرات اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای بر رشد تولید در استان‌های ایران از رویکرد حد آستانه‌ای ملایم پانل و بر اساس داده‌های سالانه ۱۳۷۹ الی ۱۴۰۰ استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان از اثرگذاری مثبت متغیرهای اعتبارات هزینه‌ای دولت، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت، نرخ با سواد، جمعیت فعال اقتصادی، جواز تاسیس و پروانه بهره‌برداری و درجه باز بودن اقتصادی در رشد تولید در استان‌های ایران می‌باشد. بنابراین پیشنهادانی در راستای تخمین مدل در ادامه ارائه می‌گردد:

- اعتبارات هزینه‌ای دولت و اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت اثر معنی داری بر رشد بخش تولید در کشور دارند. بنابراین بهتر است با توجه به سهم زیاد اعتبارات هزینه‌ای دولت، استفاده از اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای دولت بعنوان اهرم سیاست‌گذاری مالی بر اعتبارات هزینه‌ای دولت و درآمدهای مالیاتی ترجیح داده شود.
- به دلیل آنکه رابطه بازارهای مالی عامل اساسی در انتقال بی ثباتی درآمد نفت به سایر بخش‌های اقتصاد محسوب می‌شود، انضباط مالی تنها راهکار مواجهه عاقلانه با پدیده استفاده نادرست از منابع نفتی، ناپایداری ارزی و مالی است. به همین جهت واکسینه کردن اقتصاد در برابر بی ثباتی درآمدهای نفتی از طریق قطع ارتباط اعتبارات هزینه‌ای دولت با درآمد نفت امری ضروری است. همچنین لازم است در خصوص نحوه هزینه کرد درآمدهای نفتی قوانین موجود در خصوص ذخیره بخشی از درآمدهای نفتی در صندوق توسعه ملی با ضمانت اجرایی بیشتری انجام شود و دولت‌ها برای امور جاری خود از صندوق توسعه ملی برداشت نکنند. در ضمن دولت باید تلاش کند از هزینه کردن خارج از حد مجاز درآمدهای نفتی در اعتبارات هزینه‌ای دولت دوری کند.
- افزایش جمعیت فعال رشد تولید را افزایش می‌دهد، برای همین دولت باید با اصلاح روش‌های مدیریتی و سیاست‌های صحیح اقتصادی در جهت کاهش بیکاری در جامعه عمل کند. همچنین در صورت بروز بیکاری فزاینده در استان‌های کشور با اتخاذ تدابیری مثل؛ توسعه کارآفرینی و توانمندسازی اقشار کم درآمد، توانمند سازی جوانان، زنان، فارغ‌التحصیلان و سایر افراد جویای کار، ایجاد فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه‌های مالی از طریق بازارهای مناسب، افزایش سرمایه‌انسانی در اقشار کم درآمد و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای از طریق متعادل نمودن توزیع امکانات عمومی (اجتماعی، فرهنگی، آموزشی) و تأمین حداقل معیشت گروه‌های کم درآمد و اقشار آسیب‌پذیر جامعه، شامل، بهره‌مندی از بهداشت عمومی، برخورداری از آموزش و پرورش عمومی، داشتن حداقل سر پناه قابل قبول و امنیت غذایی رشد تولید را افزایش دهد.
- سیاست‌های مالی باید به گونه ای تنظیم شود که اعتبارات تخصیص یافته دولت با کارایی بیشتر بین استان‌های مختلف ایران تقسیم شود تا به این صورت با سرمایه‌گذاری‌های زود بازده، رشد تولید افزایش یابد. همچنین دولت‌ها باید تمام سیاست‌های پولی خود را در جهت کاهش تورم به اجرا درآوردند، مثلاً با کنترل در قیمت کالاهای وارداتی، کنترل در فشار تقاضا که ناشی از افزایش سریع در هزینه‌های مصرفی و

مخارج سرمایه گذاری در بخش خصوصی و عمومی است، جلوی رشد نامتناسب نقدینگی بخش خصوصی را که عامل اصلی افزایش تقاضای کل و گسترش و تعمیق فشارهای تورمی است را بگیرد.

- نتایج نشان داد تاثیر درجه باز بودن تجاری بر روی رشد تولید مثبت و معنادار می باشد. این نتایج با تحقیقات انگ^۱، رهی و کیم^۲، هیشن و همکاران^۳ و اشرفی پور^۴ مطابقت دارد. در این راستا دولت می تواند با سیاست گذاری‌های هدفمند در توزیع منافع حاصل از تجارت خارجی میان کارگذاران اقتصادی زمینه بهبود توزیع درآمدها را فراهم کند. از سوی دیگر در سطوح استانی توجه دادن شرکت‌ها و موسسات بخش خصوصی که در بازارهای بین المللی فعالیت دارند به نقش اجتماعی آنها در استانی که در آن واقع شده اند توسط متولیان مربوطه بسیار با اهمیت خواهد بود.

فهرست منابع:

- شفیعی، افسانه، شهزاد برومند و احمد تشکینی. (۱۳۸۵). "آزمون تأثیرگذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال پنجم، شماره ۳۳، ص ۱۵۳-۱۸۱.
- اسلامولیان، کریم، شفیی سروسستانی، مریم، جعفری، محبوبه. (۱۳۸۹). بررسی اثر بازبودن تجاری بر متغیرهای کلان در اقتصاد ایران (۱۳۸۶-۱۳۴۰). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۴(۴۳)، ۱-۲۱.
- بابکی روح اله. همایونی فر مسعود، مهدوی عادل محمد حسین، مصطفی سلیمی فر. (۱۳۹۶). تأثیر هزینه های جاری و عمرانی دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی در دو بخش ماشین‌آلات و ساختمان در اقتصاد ایران (با رویکرد الگوهای خود بازگشت برداری ساختاری). اقتصاد مقداری. دوره ۱۴، شماره ۳ - شماره پیاپی ۵۴، صفحه ۱۰۵-۱۳۵
- پورمقیم. (۲۰۰۴). آزمون و تحلیل اثر هزینه های دولت بر درآمد ملی: رویکرد نئو کلاسیک. پژوهشنامه اقتصادی، ۴(۱۵)، ۷۵-۱۰۸.
- حسنوند علی، کریمی محمد شریف و فلاحتی علی، خانزادی آزاد، (۱۴۰۱) اثر پیچیدگی اقتصادی بر نابرابری درآمدی در کشورهای منتخب در حال توسعه، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۶، شماره ۵۸، ص ۱۹۳-۲۱۴
- تاری، فتح‌الله، ستاری. (۲۰۰۵). بررسی تأثیر مخارج دولت و مالیاتها بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک. پژوهشنامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبایی)، ۱۶(۵)، ۱۵۳-۱۸۲.
- جمشیدی رضا. سلیمی فر مصطفی. (۱۳۹۵). الگوسازی توزیع بودجه عمرانی استانی ایران با استفاده از الگوی رگرسیون فضایی. علوم اقتصادی - توسعه اقتصادی. پایان نامه دکتری تخصصی دانشگاه فردوسی مشهد

¹. Ang, 2008:1-25

². Rhee and Kim, 2019: 1043-1056

³. Hsieh and et al, 2019: 450-466

⁴ نک: اشرفی پور، ۱۳۹۱: ۲۴-۳۳

خداویسی حسن. عزتی شورگلی احمد. (۱۳۹۵). کاوشی در زمینه تأثیر مخارج جاری و عمرانی دولت بر تولید ناخالص داخلی ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت. مجله تحقیقات اقتصادی. دوره ۵۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۱۵، صفحه ۳۲۷-۳۵۳

سامتی، مرتضی، صامتی، مجید، و شاهچرا، مهشید. (۱۳۸۲). جهت‌گیری مناسب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت به منظور دست‌یابی به رشد بهینه اقتصادی در ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران، ۱۵(۱)، ۱-۱۸. سیدصالحی شهرزاد، صامتی مجید، آذربایجانی کریم، بصیرت مهدی (۱۴۰۰). تحلیل درآمدهای دولت در یک اقتصاد کوچک صادرکننده نفت به روش تعادل عمومی پویای تصادفی (DSGE). پژوهشنامه مالیات. ۲۹ (۵۱): ۳۳-۶۴

شریفی، نورالدین، . عزیزاده، محمد. (۱۳۸۱). اثر مخارج دولت بر اقتصاد منطقه با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی (مطالعه مورد استان گلستان). پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۴(۱۳)، ۳۳-۵۶. عرب مازار، علی اکبر . چالاک، فرشته. (۱۳۸۹). تحلیل پویای اثر مخارج دولت بر رشد اقتصادی در ایران. مجله تحقیقات اقتصادی، ۴۵، (۲).

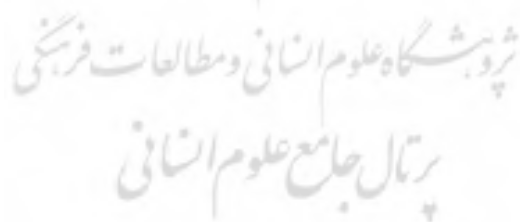
غفاری فرد محمد، دانش حسینه (۱۴۰۱). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب اسلامی (رویکرد داده‌های تابلویی). فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ۱۴۰۱؛ ۱۲ (۴): ۲۱-۱. فتحی، زینب و مجید مداح، (۱۳۹۸) مخارج دولت و چرخه‌های اقتصادی در ایران، دومین کنفرانس ملی مطالعات نوین اقتصاد، مدیریت و حسابداری در ایران، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی - سازمان همیاری شهرداری ها و مرکز توسعه خلاقیت و نوآوری علوم نوین، رحمانی فضلی هادی، عرب مازار عباس. (۱۳۹۵). توزیع بهینه منابع بودجه استانی بر پایه یک مدل کنترل بهینه. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی : دوره ۲۴ ، شماره ۷۹ ؛ از صفحه ۷ تا ۲۸.

محسن زاینده رودی سید عبدالمجید جلائی، مهدی فاطمی (۱۴۲۰)، بررسی عوامل موثر بر رشد بهینه مخارج دولت در اقتصاد با استفاده از روش کنترل بهینه، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۷، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۲، ص ۱۳۹-۱۷۲

-منتظری شورکچالی جلال، زاهد غروی مهدی. (۱۴۰۰) اندازه دولت و رشد اقتصادی در ایران: رهیافت علیت گرنجر مارکوف سوئیچینگ. پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). ۱۴۰۰؛ ۲۱ (۱): ۹۳-۱۱۶
-منظور داوود، . سیدحسین زاده یزدی سعید. (۲۰۲۰). تنظیم گری و مقررات گذاری نظام مالی در ایران: ارزیابی مقایسه ای.

نادران، الیاس، . فولادی. (۲۰۰۵). ارائه یک مدل تعادل عمومی برای بررسی آثار مخارج دولت بر تولید، اشتغال و درآمد خانوارها. پژوهشنامه اقتصادی (دانشگاه علامه طباطبائی)، ۱۹(۵)، ۴۵-۸۰. Aznan, M. S. B. M.,
Goh, H. H., Koong, S. S., . Tan, S. H. (2022). Nonlinear threshold approach for asymmetric effects of government size on economic growth in an emerging Asian economy: the Malaysian experience. Heliyon, 8(9), e10524.

- Ahmad, M., Ahmed, Z., Yang, X., Hussain, N., . Sinha, A. (2022). Financial development and environmental degradation: do human capital and institutional quality make a difference? *Gondwana Research*, 105, 299-310.
- Aydin, C., . Esen, Ö. (2019). Does too much government spending depress the economic development of transition economies? Evidences from dynamic panel threshold analysis. *Applied Economics*, 51(15), 1666-1678.
- Azam, M., Liu, L., . Ahmad, N. (2021). Impact of institutional quality on environment and energy consumption: evidence from developing world. *Environment, Development and Sustainability*, 23, 1646-1667.
- Ahmed, F . Kousar, Sh . Pervaiz,, A . Shabbir, A (2021), Do Institutional Quality and Financial Development Affect Sustainable Economic Growth? Evidence from South Asian Countries, *Borsa Istanbul Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bir.2021.03.005>.
- Kwenda, F., . Chinoda, T. (2019). The impact of institutional quality and governance on financial inclusion in Africa: A two-step system generalised method of moments approach. *Journal of Economic and Financial Sciences*, 12(1), 1-9.
- Murshed, M., Mredula, F., . Tabassum, F. (2018). An empirical assessment of optimal government size and economic growth in light of the Armey Curve: a panel data investigation. *World Review of Business Research*, 8(1), 161-173.
- Sandow, J. N., Oteng-Abayie, E. F., . Duodu, E. (2022). External debt and economic growth in Sub-Saharan Africa: does heterogeneity in the quality of public sector management make a difference?. *Heliyon*, 8(9), e10627.



The impact of the marginal effects of the government's construction and current expenditures on economic growth with an emphasis on the degree of economic openness and insurance premiums paid by producers (case study of the country's provinces)

Mohammad Amin Nahal¹
Bijan Basri²

Received: 2025/March/27 Accepted: 2025/June/01

Abstract

The aim of the present study is the effect of the threshold effects of capital asset acquisition credits and expenses on economic growth with an emphasis on the degree of economic openness and paid production insurance premiums (the case study of the provinces of the country) based on the data of 1379-1400 and by applying the soft threshold approach. It is the star panel (PSTR). The model estimation results show; The variables of government spending credits, government capital asset acquisition credits, literacy rate, economically active population, establishment license and exploitation license and the degree of economic openness significantly increase production growth in Iran's provinces. The increase in government spending credits and government capital asset acquisition credits, although it generally leads to an increase in production in Iran's provinces, but this increase in credits has been moved towards production growth at a moderate speed. Considering the developing country and the low role of tax revenues in the budget of the country and the provinces of Iran in the past years and earning more income through oil resources, the increase in national and provincial credits due to being on the path of development is not well managed and in Instead of long-term investments in construction costs, short-term costs have been spent, the result of which is nothing but inefficiency in the growth of economic activities.

Key words: Asset acquisition, credits, production growth, Iranian provinces, panel threshold approach model

JEL Classification: O23 E43; G21;

¹ Department of Economics, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. mohammadamin.nahal@iau.ir

² Department of Economics, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author).
bij.basri@iauctb.ac.i



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی